

پژش روزنامه‌ها

تهدیداز ذهن آغاز می‌شودنه از مرز

روزنامه اعتماد در یادداشتی به ابعاد پیچیده عملیات روانی و رسانه‌ای دشمن در جنگ اخیر پرداخت و نوشت: ما عادت کرده‌ایم جنگ را با صدای آژیر بشناسیم، با ویرانی خانه‌ها، با ستون‌های دود و آتش و با صدای انفجار بمب، اما جنگ امروز، بی‌صداست، بی‌رديا. این جنگ که حتماً نباید از خاک و دریا و آسمان عبور کند از درون می‌آید. از ذهن، از احساس. از گوش‌های هوشمند، از روایت‌هایی که بی‌وقفه تکرار می‌شوند تا حقیقت را دفن کنند. جنگ اطلاعاتی از ۱۲ روزه‌ای که علیه ایران به راه افتاد، شاید در ظاهر بی‌بحران رسانه‌ای بود، اما در واقع از مون بزگی بود برای ستنجش تاب‌آوری افکار عمومی در برابر حملات نرم، اما کشنده‌ای که نام‌شان را روایت گذاشته‌اند. این حمله از طریق هزاران پیام، تصویر، صدا، هشتگ و بازشر هوشمند تلاش کرد چیزی را تخریب کند که در هیچ نقشه‌ای ثبت نشده است؛ احساس امنیت درونی مردم.

در این جنگ وقتی روایت‌ها شلیک می‌کردند ما تماشاگری پیش نبودیم، چراکه رسانه‌های معاندی مثل ایران‌اینترنشنال، بی‌بی‌سی فارسی و شبکه‌های هم‌افزای آنها، دیگر تولیدکننده صرف خبر نبودند، آنها با مهندسی افکار عمومی، با ترکیبی از فناوری‌های نوین قصه‌هایی ساختند که اگر چه دروغ بودند، اما درست حس می‌شدند. نویسنده اضافه کرده است: در برابر این هجمه، مخاطب امروز به زبانی تازه نیاز دارد. مخاطب امروز، با دهها کانال رسانه‌ای طرف است. اگر صدای ما انسانی نباشد، حتی اگر حقیقت بگوییم، دیده نخواهیم شد. باید زبان مردم را بفهمیم، تجربه زیسته آنان را ببینیم و رسانه را از تریبون به تعامل تبدیل کنیم. دیگر دوران خواندن بیانیه‌ها گذشته، ما به روایت‌های خودی، زنده، واقعی و انسانی نیاز داریم نه برای تقلای با دروغ، بلکه برای بازگردن اعتماد.

تجربه گرانسنگ ۱۲روز استقامت

روزنامه کهپان در شماره دپروژ خود نوشت: پس از پایان جنگ ۱۲روزه اخیرامریکا، رژیم اسرائیل و... علیه جمهوری اسلامی ایران، یا موازنه نظامی میان طرفین که با دست بر تر ایران جریان داشت، پابرجاست یا دستخوش تغییر شده است؟ پاسخ به این سؤال از این‌رو اهمیت دارد که افق ما و منطقه غرب آسیا به آن وابسته است. بررسی‌های کارشناسی بیانگر آن است که نخست‌وزیر رژیم غاصب اسرائیل دو هفته پیش از شروع جنگ، با ارائه یک برنامه دقیق و مستند نظامی، رئیس‌جمهور امریکا را متقاعد کرد که با پشتیبانی نظامی امریکا، بدون نیاز به مداخله مستقیم نظامی آن می‌تواند بر سیستم نظامی ایران سوار شده و با سرعت به آن ضربه زده و از کار بیندازد تا آنگاه ایران از ترس ویرانی مطلق به هر آنچه امریکا اراده کند، تن دهد. جنگ در دقایق اولیه صبح جمعه ۲۳خرداد با این خاطر جمعی شروع شد، روند جنگ در سه روز اول به گونه‌ای بود که رژیم غاصب، امریکا و دولت‌های اروپایی را وارد مطالباتی بزرگ تر از بحث هسته‌ای کرد اما به سرعت ورق برگشت و تا آنجا پیش رفت که امریکا در روز دوازدهم، در حالی که بدین‌فرض بود آخرین ضربه نظامی را ارایان به رژیم اسرائیل بزند، از ضرورت برقراری آتش بس صحبت کرد و رژیم اسرائیل که در آخرین ضربه ایران هم گرفتار آسیب اساسی شده بود، به پایان جنگ تن داد.

نویسنده اضافه کرده است: اصولاًرود مستقیم ارتش امریکا به جنگ، در آغاز پیش‌بینی نشده و نتانیاوه به ترامپ باورانده بود که با پشتیبانی نظامی امریکا و بدون نیاز به دخالت مستقیم آن، از پس ایران برمی‌آید. فرمانده ارتش اسرائیل در روز نهم جنگ به‌طور علنی اعلام کرد بدون حمله امریکا به تأسیسات هسته‌ای ایران، اسرائیل قادر به تحقق همه‌اهداف جنگ نیست. ترجمه‌اظهارات او این بود که توان عملیاتی اسرائیل به نقطه صفر رسیده و این جنگ باید با اقدام امریکا متوقف شود.

ضرورت حفظ وحدت ملی

روزنامه شرق در یادداشتی ضرورت حفظ وحدت ملی را مورد توجه قرار داد و نوشت: با سبزی‌شدن روزهای بعد از جنگ و تجاوز رژیم‌صهیونیستی و برقراری آتش‌بس موقت به با فداکاری نیروهای مسلح و البته همبستگی بی‌نظیر ملت ایران هم‌راه بود، عموم جریان‌های سیاسی، فکری و شخصیت‌های اجتماعی و رؤسای قوای سه‌گانه و سرانجام تأکید رهبری در دیدار با اعضای قوه قضائیه مبنی بر لزوم حفظ وحدت ملی پدیدار شده در کشور که امری پسندیده و بایسته و از ضروریات امروز ایران عزیزاست، مستلزم تجدیدنظر اساسی و اصلاح سیاست‌ها، برنامه‌ها، اقدامات و تصمیمات شجاعانه و مهم و سرنوشت‌سازی است که امکان استمرار وحدت و یگانگی احاد ملت را هموار خواهد کرد.

نویسنده اضافه کرد است: پرواضح است که هر گونه واکنش و اقدام مثبت و سازنده‌ای که متضمن پایداری همبستگی ملی می‌شود، بایداز عالی‌ترین سطوح مدیریتی و مراکز اصلی تصمیم‌گیری و سیاستگذاری کشور آغاز شود و ادامه یابد. گرچه نمی‌توان انتظار داشت که تغییر سیاست‌ها و برنامه‌ها یک‌شبه انجام شود اما تصمیم و اراده سیاسی و اجرایی برای اصلاح نگرش‌ها و روش‌ها باید به‌فوریّت و در کوتاه‌ترین زمان ممکن اتخاذ و اعلام شود و به تدریج و گام به گام به مرحله اجرا در آید. شرق نوشته است: برهیز جدی از اقدامات، گفتارها و روش‌های وحدت‌شکن می‌تواند پیام دیگری مبنی بر توقف برخی از سیاست‌ها و برنامه‌های ناآگاه رد گذشته به جامعه مخابره کند.

دالان ناتو در قفقاز جنوبی

روزنامه جام‌جم در یادداشتی به تحولات قفقاز پرداخت و نوشت: کريدور زنگزور یک پروژه کاملاً غربي است و اهداف کلاني در پس آن وجود دارد، اهدافی فرا تر از بازگراي کوچک منطقه قفقاز، يعني جمهوری آذربايجان. به همين دليل ايران از آن به‌عنوان «دالان طولاني ناتو» نام می‌برد. رايزنی‌ها بين مقامات ارشد جمهوری آذربايجان، ترکيه و امارات متحده عربي مقاصد پشت پرده ماجرا را کاملاً آشکار کرده است. یکی از مهم‌ترین طرح‌هایی که در این زمینه دربره آن رايزنی شده بود و یک شرکت واسطه به این ماجراست، اطلاعات مختلف نشان می‌دهد این شرکت گرچه در ظاهر پوشش امریکایی دارد، ولی سهامداران اصلی آن در واقع اسرائیل، ترکيه و جمهوری آذربايجان هستند. اهمیت یا بهتر بگویم خطرات این پروژه و اثرات آن بر منطقه را دیگر دیگر عبارت جمهوری آذربايجان در تجاوز نظامی ۱۲ روزه اسرائیل به ایران و استفاده از ادانه اسرائیلی‌ها برای پرواز جنگنده‌ها و پهپادها‌شان از خاک این کشور علیه ایران بیش از پیش روشن می‌شود. پس از مطرح شدن این طرح روس‌ها انتظار داشتند اگر پروژه‌ای با هم شکل می‌گیرد مدیریت و نظارت بر کريدور توسط خود آنها‌اعمال شود و با اینکه طرف ایرانی بارها گوشزد کرد این یک پروژه کاملاً غربي است و ناتو در پشت صحنه آن قرار دارد، نفوذ ناتو و غرب در منطقه قاعدتاً نه برای روس‌ها نه برای کشورها مطلوب نیست، در نتیجه انتظار داشتند که هم شرایط فعلی به میدان بیايند و در برابر این پروژه موضع‌گیری جدی داشته باشند و تدابیر عملیاتی خود را به‌روز رسانی کنند تا یک یاز غافلگیری دیگر از سوی ناتو جلوگیری شود.

روان

رژیم تروریستی صهیونی که با تمام قدرت به کشتار صدها هزار نفر در غزه ادامه می‌دهد و استراتژی چمن‌زنی خود را برای پاک‌سازی نژادی با نسل‌کشی پیش می‌برد، به یک‌باره نگران وضعیت مردم ایران شده است! الی کوهن، وزیر انرژی کابینه نتانیاوه یک‌شنبه شب در پست ایکس خود برای مردم ایران پیام فرستاده و با ادعای بی‌آبی در کشور به دلایل هسته‌ای، برای ایرانی‌ها اظهار مضحک از سوسی رژیم‌صهیونیستی رقم می‌خورد که آنها همچون یک قاتل حرفه‌ای در حملات تجاوز کارانه به کشورمان، تعداد زیادی از مردم را به خاک و خون کشیدند و به شهادت رساندند، هر چند آنها تبلیغات گسترده‌ای کرده بودند که در حملات موشکی خود جامعه هدف‌شان به مسئولان و نیروهای نظامی محدود می‌شود و شامل مردم عادی نمی‌شود، اما واقعیت‌های انکارناپذیر و به شهادت رسیدن عمدی مردم عادی موجب رسوایی آنها شد و این عملیات پرکارانه را عقیم کرد.

■ ■ ■

آنچه اسناد و شواهد میدانی نشان می‌دهد هدف غایی رژیم‌صهیونیستی که سال‌هاست از آن در تریبون‌های رسمی بین‌المللی ترویج می‌دهند، نابودی ایران و معدوم کردن قدرت آن است. اکنون نیز حوادثی که در سوریه و لبنان می‌گذرد، نشان می‌دهد رژیم‌صهیونیستی به کمتر از فروپاشی دولت‌های اسلامی و تجزیه آنها راضی نمی‌شود، اما ملت ایران با همبستگی و خروشیدن بر رژیم‌صهیونیستی و امریکا نشان دادند بسیار باهوش‌تر از این هستند که فریب این قبیل نمایش‌های جعلی و دروغین را بخورند. اما دلیل اصلی این تحركات از سوسی رژیم‌صهیونیستی، هدف قرار دادن انسجام ملی و ایجاد اشتقاق بین مردم و حاکمیت است. از منظر آنها، این شکاف می‌تواند از جنبه‌های مختلفی مؤثر واقع شود، نخست آنکه حاکمیت بدون پشتوانه مردمی نمی‌تواند در مقابل رژیم سفاک صهیونیستی ایستادگی کند و به دلیل تضعیف سیستم حکمرانی به راحتی مغلوب خواهد شد. از این‌طرف رژیم به سادگی می‌تواند مدل شبیه غزه را در ایران بازسازی کند و با کشتار مردم عادی به اهداف شوش برسد، همانطور که در لبنان و سوریه با نبودی زیست مردم این راهبردی به ایران، از سوی دیگر، هنگامی که دیدگاه مردم از

پایان

سرویس سیاسی ۶۰۹۸۵۲۳۰

رژیم صهیونی از نسخه غزه برای ایران می‌گوید!



➤ وزیر رژیم‌صهیونیستی که بزرگ‌ترین قطعی را به مردم غزه تحمیل کرده، ناگهان دلواپس ملت ایران شد!

حاکمیت فاصله بگیرد، تبلیغات رسانه‌های

دروغین کارزار خواهد شد و میدان فریبکاری برای رژیم‌صهیونیستی و عمل داخلی و خارجی گسترده‌تر می‌شود. از این طریق، مردم به جای مقابله با رژیم‌صهیونیستی، رفتاری که دلخواه رژیم است را انجام می‌دهند. در گام دوم هم رژیم با خیال آسوده، با عملیات نظامی خود را به اهداف می‌رساند.

واکنش اسرائیل به ضربه کاری از ایران

آنچه مسلم است اینکه جبهه رژیم‌صهیونی-امریکا از توان موشکی ایران و از آن مهم‌تر انسجام ملی ضربه کاری خوردند و حالا دنبال رفتار شکاف بین ملت و حاکمیت هستند، اما در این زمینه هم سبلی

یکی از راهبردهای اصلی امریکا در جریان حملات خود و رژیم‌صهیونیستی به ایران، متشنج کردن و ناآرام کردن فضای کشور بود.

سه‌شنبه ۳۱ تیر ۱۴۰۴ | ۲۶ محرم ۱۴۴۷

پایان

دریا و جیره‌بندی آب آلوده برای مردم غزه باقی نمانده است. یونسف هشدار داده مسئله آب در نوار غزه به «سطح بحرانی» رسیده و خاطر نشان کرده است که در حال حاضر از هر ۱۰ نفر فقط یک نفر به آب آشامیدنی تمیز دسترسی دارد. در واقع، اسرائیل با از بین بردن تمام شیران‌های حیاتی و گرسنگی دادن و تشنه نگه داشتن مردمی که زیر بمباران فزاینده قرار دارند، همراه با محاصره مداوم و وخامت اوضاع پزشکی یک نسل‌کشی هدفمند و بی‌مانند در تاریخ را رقم زده. این در حالی است که بحران آب فقط به تشنگی منجر نمی‌شود، بلکه مستقیماً بر سلامت افراد و شیوع بیماری‌های همه‌گیر، پوستی و رودهای نیز تأثیر می‌گذارد.

سارق حرفه‌ای آب غرب آسیا

سابقه رژیم‌صهیونیستی در سرقت و چپاول آب‌های منطقه غرب آسیا به کمک نفوذ امریکا اثبات می‌کند که آنها از ابتدای تشکیل دولت جعلی برنامه بلندمدتی را به این‌منظور تهیه کرده بودند. در سال ۱۹۴۱، دیوید بن‌گوریون که بعدها اولین نخست‌وزیر اسرائیل شد، به وضوح اعلام کرد دولت آینده اسرائیل به رودخانه لیتانی چشم دارد و افزود: «ما باید به خاطر داشته باشیم که رودخانه لیتانی باید داخل مرزهای دولت یهود باشد». پس از سال ۱۹۴۸، اسرائیل منابع آب خود را ملی و پروژه‌های بلندپروازانه‌ای مانند حامل آب ملی را برای انتقال آب از شمال به جنوب خشک راه‌اندازی کرد.

در این راستا، تل‌آویو برنامه‌ریزی کرد که مسیر آب‌های رود اردن را به نفع خود منحرف کند و از سال ۱۹۵۳ اجرای این طرح‌ها را از طریق شرکت اسرائیلی مکورت آغاز کرد. است. این اقدامات شامل انحراف آب رود اردن و شاخه‌های آن به سمت دریای جلیل بود که با کاهش سطح آب دریای مرده و کوچک شدن مناطق آن به دلیل انحراف نهرهای شاخه‌ای آن منجر شد. جنگ ۱۹۶۷ نقطه عطفی مهم بود، زیرا اسرائیل کنترل مناطق پرآب مانند کرانه باختری، غزه و بلندی‌های جولان را به دست آورد. این مناطق اکنون بخش قابل توجهی از آب اسرائیل را تأمین می‌کنند، با این حال این کنترل به ضرر کشورها همسایه و فلسطینی‌ها تمام شده است که با محدودیت‌های شدید دسترسی به آب مواجه هستند. به عنوان مثال، مصرف سرانه آب فلسطینیان به طور متوسط تنها ۲۰ مترمکعب و اسرائیل ۶۰ مترمکعب بود و رژیم حفر چاه‌های جدید را ممنوع کرده است و برای خارج از سهمیه‌ها جریمه اعمال می‌کند.

آیا مخالفت امام^(ع) با ملی‌گرایی، مخالفت با ایران است؟

امام خمینی^(ع) میهن‌دوستی عمل‌گرا و مسئولیت‌پذیر

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، امام خمینی(ره) سیاست «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» را به عنوان اصل راهبردی نظام جمهوری اسلامی مطرح کرد. این نقشه به معنای عدم‌وابستگی به هیچ‌یک از بلوک قدرت جهانی بود. ایشان بارها تأکید می‌کرد که حفظ استقلال سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ایران از مهم‌ترین دستاوردهای انقلاب اسلامی است و مسئولان باید برای صیانت از آن بکوشند.

در پیامی به مسئولان نظام، ایشان بارها هشدار دادند که هرگونه سازش با وابستگی به قدرت‌های خارجی، خیانت به ملت ایران و تهدیدی برای آینده کشور است، بنابراین حفظ استقلال همه‌جانبه را بخشی از مبین‌دوستی حقیقی می‌دانستند.

۴. **تمجید از ملت ایران:** در بیانات مختلف، امام خمینی(ره) به ملت ایران با تعبیری چون «ملت رشید»، «ملت شجاع»، «ملت فداکار» و «ملت شریف» یاد کرده‌اند. ایشان معتقد بودند مردم ایران، با وجود سال‌ها سلطه استبداد داخلی و نفوذ خارجی، توانسته‌اند به سطحی از آگاهی، عزت‌طلبی و خودباوری برسند که در نوع خود کم‌نظیر است. این نگرش نشانه باور عمیق امام به استعداد، شرافت و ظرفیت‌های ملت ایران است؛ باوری که در سال‌های دشوار دفاع مقدس نیز تجلی یافت. اوج موضوع و باور ایشان درباره مردم ایران را در این جمله می‌توان دید: «من با جرت مدعی هستم که ملت ایران و توده میلیونی آن در عصر حاضر سرزمین ملت حجاز در عهد رسول‌الله- صلی الله علیه و اله- و کوفه و عراق در عهد امیرالمؤمنین و حسین بن علی- صلوات الله و سلامه علیهم- می‌باشند.» (صحیفه امام، جلد ۲، ص ۴۱۰)

تقد امام خمینی(ره) بر ملی‌گرایی، ناظر به شکل خاصی از آن است که بر محور نژاد، تعصب، طرد دیگری و فاصله‌گیری از وحدت اسلامی بنا شده است. این نوع ملی‌گرایی که در بسیاری از کشورها موجب جنگ، استعمار یا تبعیض شده، مورد انتقاد امام بوده است. اما این به معنای مخالفت با مبین‌دوستی نیست. مبین‌دوستی اخلاقی، آگاهانه و عقلانی همواره در کلام و سیره امام مورد تأکید بوده است.

تبعید به دلیل دفاع از استقلال کشور، نپذیرفتن حمایت

دولت‌های خارجی، تأکید بر سیاست «نه شرقی، نه غربی»، توصیه به یادانی و سازندگی ایران و اعتماد به ظرفیت‌های ملت

ایران، همگی شواهد روشنی از مبین‌دوستی عملی و معقول

امام خمینی(ره) است. این مواضع نشان می‌دهد برای امام،

ایران عزیز نه صرفاً یک خاک، بلکه سرزمینی بود که باید آزاد،

آباد، مستقل و الگو برای دیگر ملت‌ها باشد؛ وطنی که در خدمت

ارزش‌های انسانی و الهی تعریف می‌شود، نه در تقابل با آنها. به

این ترتیب، نسبت فام با ایران نه تنها نفی شده نیست، بلکه در

عمل، رابطه‌ای از جنس مسئولیت، تعهد و پاسداری است. او با

ایران همان گونه رفتار کرد که یک انسان وفادار با وطن خویش

رفتار می‌کند؛ با عشق، با درد، با امید و با مسئولیت.

پایان

«تهران» دست برتر بازدارندگی نامتقارن

جنگ تحمیلی ۱۲ روزه میان ایران و رژیم‌کودکش صهیونیستی توازن قوا در خاورمیانه را دگرگون ساخت و مفهوم امنیت بین‌الملل را با بازتعریفی انقلابی مواجه کرد. در این تحول ژرف، ایران به عنوان بازیگری پیشرو با درهم‌شکستن همه‌نه امنیتی رژیم‌صهیونیستی- که نماد قدرت اطلاعاتی و نظامی غرب محسوب می‌شد- با راه‌آی‌های فرسوده را فرو ریخت و مفاهیم نوینی را در گفتمان امنیت جهانی تثبیت کرد. ایران اسلامی با بهره‌گیری هوشمندانه از موقعیت ژئوپلیتیکی و شبکه مقاومت منطقه‌ای، مدل بازدارندگی هسته‌ای و متعارف غرب را بی‌اثر کرد. عملیات گسترده رزتآب هزاران موشک و پهپاد از عمق خاک ایران به قلب سرزمین‌های اشغالی، اسطوره «پناهگاه امن» رژیم‌صهیونیستی را برای همیشه نابود و الگوی «بازدارندگی نامتقارن» را به پارادایم مسلط عصر جدید تبدیل کرد؛ الگویی که در آن بازگرگان منطقه‌ای از هر پهنای اندک، تهدیدات وجودی برای قدرت‌های فراملی خلق می‌کنند.

این پیروزی استراتژیک، توازن ترس را به نفع بازیگران غیرغربی جابه‌جا کرد و مرکز ثقل قدرت امنیتی جهان را به‌سوی بازیگران منطقه‌ای سوق داد. پاسخ نظامی مستقیم و مستقل ایران بدون انکار بر ابرقدرت‌ها، اثبات اطلاعاتی ناتو و دستیابی به برتری اطلاعاتی از طریق نفوذ در شبکه‌های جاسوسی دشمن، هاله شکست‌ناپذیری موسدا را زدود. این رویکرد ترکیبی، الگویی عملی برای مقابله با جنگ چندبعدی غرب ارائه داد و ثابت کرد تهدیدات غیرمتعارف می‌توانند ابرقدرت‌ها را به بن‌بست بکشانند.

رژیم‌صهیونیستی دهه‌ها با امنیت‌سازی ایران به‌عنوان تهدید وجودی، مشروعیت بین‌المللی خود را توجیه می‌کرد، اما جنگ ۱۲ روزه این روایت را وارونه کرد. افشای آسیب‌پذیری‌های مرگبار پدافند موسوم به «گنبد آهنین» در برابر حملات موشکی ایران و تغییر در کل جامعه بین‌المللی نسبت به سیاست‌های توسعه‌طلبانه رژیم‌صهیونیستی به‌عنوان عامل اصلی بی‌ثباتی منطقه، گفتمان شکنی راهبردی یک تاریخی برای ایران به‌شمار می‌رود. این تحول گفتمانی، توازن روایی را بر اساس مکانیسم‌های «امنیت‌سازی» مکتب کپنهاگ تغییر داد. ایران با تلفیق هوشمندانه امنیت فرهنگی، اقتصادی و دفاعی- منطقه‌ای بر مدل امام خمینی و رهبری معظم انقلاب- ثابت کرد مدلی برای فرا تر از ایجاد نظامی است. دستیابی به خودکفایی در تولید موشک‌های بالستیک و پهپاد بدون وابستگی به غرب و تقویت امنیت نرم از طریق صیانت از هویت اسلامی، پاسخی عملی به تهدیدات نوین مکتب کپنهاگ (زیست‌محیطی، اطلاعاتی، اقتصادی) بود که ثابت می‌کند امنیت واقعی در گرو استقلال همه‌جانبه است.

واکنش متغلاانه سازمان ملل و غرب در محکومیت تجاوزات رژیم‌صهیونیستی، شکستگی ساختارهای امنیت جمعی موجود را عریان ساخت. جمهوری اسلامی ایران با انکار بی‌دولماسی مقاومت و تشکیل ائتلاف‌های راهبردی، ضرورت ایجاد نهادهای امنیتی چندقطبی را به جهان تحمیل کرد و چارچوب‌های کهنه غرب‌محور را به حاشیه راند. جنگ تحمیلی ۱۲ روزه، ایران را به سنگ‌مک تحول امنیت جهانی تبدیل کرد. دستاوردهای استراتژیک تهران- درهم‌شکستن همه‌نه نظامی رژیم‌صهیونیستی، زایش مفهوم بازدارندگی نامتقارن و جهانشمول‌سازی امنیت چندبعدی- پاسخی انقلابی به بحران نظم موجود بود. همان‌گونه که مکتب کپنهاگ هشدار می‌دهد، امنیت در عصر جدید نیازمند چندمرجع‌ی‌سازی و عبور از الگوهای غربی است. ایران با عملیاتی‌سازی این نظر به ثابت کرد امنیت واقعی نه در زرادخانه‌های اتمی، بلکه در اراده ملت‌هایی نهفته است که هم‌زمنی را به چالش می‌کشند. آینده امنیت بین‌الملل در گرو پذیرش نقش تحول‌آفرین بازیگرانی مانند ایران است که نه تنها نظم کهنه را نقد کرد، بلکه ال‌ترناتوی زنده آفریدند.

پایان

شام عبرت

رژیم‌صهیونیستی در روزهای گذشته شدیدترین حملات خود به سوریه را پس از کنار رفتن بشار اسد از قدرت به این کشور انجام داد. بهانه حاکم منطقه خودمختار دروزی‌نبدین، حمایت از دروزی‌های ساکن سویدا در جنوب سوریه بوده است، اما این ظاهر مسئله بوده و اهداف تجزیه‌طلبانه‌ای در ورای این حملات نهفته است. تجزیه سوریه یکی از سنارבות محتمل در استراتژی اسرائیل و غرب است. ایجاد مناطق خودمختار در جنوب، به‌ویژه در سویدا می‌تواند به‌عنوان گامی در راستای این هدف تلقی شود.

«صدای ایران» روزنامه اینترن‌تنی رسانه KHAMENEI. IR در سرمقاله شماره ۲۸ به اشاره به این مسئله نوشته است: کارشناسان اسرائیلی از ایجاد یک منطقه خودمختار دروزی‌نبدین، حمایت را دروزی‌های ساکن سویدا در جنوب سوریه بوده است، اما این ظاهر مسئله بوده و اهداف تجزیه‌طلبانه‌ای در ورای این حملات نهفته است. تجزیه سوریه یکی از سنارבות محتمل در استراتژی اسرائیل و غرب است. ایجاد مناطق خودمختار در جنوب، به‌ویژه در سویدا می‌تواند به‌عنوان گامی در راستای این هدف تلقی شود. یکی از اهداف کلیدی رژیم‌صهیونیستی در حملات اخیر به خاک منطقه خودمختار دروزی‌نبدین و نظلی همسایه غرب آسیا به سود منافع راهبردی خود است. ایده‌ای که تحت عنوان «خاورمیانه نوین» از سوی چهره‌هایی چون بنیامین نتانیاوه و اسرائیل کانس مطرح شده است. رژیم‌صهیونیستی در قالب این طرح به دنبال شکل دهی به نظامی منطقه‌ای است که در آن دولت‌هایی با ظرفیت تبدیل شدن به قدرت‌های منطقه‌ای، به حاشیه رانده شوند. سوریه به دلیل جایگاه ویژه جغرافیایی‌اش در مرز غرب آسیا و همسایگی با اسرائیل، همواره برای تل‌آویو یک نگرانی بالقوه بوده است؛ حتی از سقوط بشار اسد، احتمال بازسازی اسرائیل با عنوان سیاسی و نظامی سوریه در آینده، تهدیدی برای منافع اسرائیل به شمار می‌رود. اسرائیل با به کارگیری رویکرد «تخریب پیشگیرانه»، زیرساخت‌های نظامی، تحقیقاتی، بندری و دفاعی سوریه را هدف حملات خود قرار داده است.

این عملیات‌ها تحت پوشش «امنانت» دسترسی گروه‌های تندرو مانند داعش به تسلیحات» انجام شده‌اند، اما هدف واقعی، تضعیف پایدار توان نظامی و راهبردی سوریه است تا این کشور در آینده نتواند به‌عنوان یک بازیگر تأثیرگذار در برابر اسرائیل قد علم کند. رهبر معظم انقلاب در آخرین دیدار بشار اسد تأکید کرد غریبه‌ها و دولت‌های آنها به دنبال حذف سوریه از معادلات منطقه‌ای هستند. طبق این نکته مهم مطرح‌شده از سوی رهبر معظم انقلاب، حذف سوریه از معادلات منطقه با هدف تحقق اهداف غرب و اسرائیل صورت خواهد گرفت. اما نکته قابل تأمل این است که ائتلاف ایران با ایران نه تنها نفی شده نیست، بلکه در عمل، رابطه‌ای از جنس مسئولیت، تعهد و پاسداری است. او با ایران همان گونه رفتار کرد که یک انسان وفادار با وطن خویش رفتار می‌کند؛ با عشق، با درد، با امید و با مسئولیت.